

جایگاه رأی اکثریت در قرآن (با تأکید بر آرای آیت‌الله موسوی اردبیلی)

یوسف خانمحمدی^۱

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۲/۱۵

استادیار دانشکده علوم سیاسی دانشگاه مفید

تاریخ تأیید: ۹۶/۰۷/۱۱

چکیده

از حقوق اساسی هر فردی در جامعه، آگاهی از شرایط کشور و مشارکت در تصمیم‌گیری‌های کلان جامعه است. از آنجا که مشارکت سیاسی مستقیم در تمام امور جامعه برای آحاد مردم غیر ممکن است، این ضرورت باید از طریق مکانیزم خاصی از جمله انتخاب نماینده یا نمایندگانی از سوی مردم انجام شود که با حضور در ساختار قدرت و تصمیم‌سازی امکان حضور مؤثر در تصمیم‌گیری‌ها فراهم گردد. بنابراین در جامعه اسلامی این سؤال مطرح است، انتخاب نماینده در سطح جامعه و تصمیم‌گیری جمعی معمولاً به اجماع مطلق نایل نمی‌شود، به صورت عادی به اقلیت و اکثریت منجر می‌گردد، مبانی قرآنی مشروعیت اکثریت چیست، مدعای مقاله‌گویای این حقیقت است که رأی اکثریت در تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی مبنای قرآنی دارد؛ لذا با تأکید بر دیدگاه آیت‌الله موسوی اردبیلی مبنای رأی اکثریت بر اساس نظر ایشان اثبات شده و برای حفظ و صیانت از مشروعیت رأی اکثریت و جلوگیری از فساد، نقد و ارزیابی عملکردها و تصمیم‌سازی‌ها به صورت مستمر لازم و ضروری است. در نگارش مقاله از روش «تاریخ فکری»^۲ استفاده شده است، براساس این روش بین اندیشه و واقعیت‌های سیاسی - اجتماعی، تعامل دائمی در جامعه برقرار است، تحت تاثیر نیازها و بحران‌ها، اندیشه شکل می‌گیرد و اندیشه تولید شده باعث تغییر و دگرگونی در جامعه می‌شود.

واژگان کلیدی: قرآن، رأی اکثریت، مشروعیت، موسوی اردبیلی.

۱- مقدمه

مدیریت جامعه بر اساس رأی مردم و لزوم رعایت نظر مردم در اداره حوزه عمومی از موضوعاتی نو پیدا در جهان اسلام است و در سده اخیر وارد فرهنگ سیاسی جوامع اسلامی از جمله فرهنگ سیاسی مردم ایران شده است. هر پدیده جدیدی که وارد جامعه اسلامی می‌شود، برای پایایی و ماندگاری آن لازم و ضروری است، با فرهنگ ملی و دینی آن جامعه هماهنگ و یا حداقل در تضاد با آن نباشد، موضوعاتی از جمله تفکیک قوا، انتخابات، حقوق بشر و غیره... از

1. Email: Kanmohammadi1@gmail.com

2. Intellectual history

این موضوعات مسئله‌خیز محسوب می‌شود. جامعه ایران نیز در دنیای معاصر به‌ویژه به صورت جدی از انقلاب مشروطه ۱۲۸۵/۱۹۰۶م با فراورده‌های عقل بشری که خاستگاه غربی دارد مواجه شده است. نواندیشان دینی از علامه نائینی، علامه طباطبایی، طالقانی و امام خمینی با توجه مقتضیات و نیازهای امروزین جامعه و با استناد به عقلانیت و مقاصد شریعت به اسلامیزه کردن انتخابات، حقوق بشر، تفکیک قوا و غیره ... تلاش کرده و این روند ادامه دارد، هدف از پروژه نواندیشی دینی ایجاد جامعه مطلوب و زندگی شرافتمندانه برای انسان مسلمان امروزین است. آیت الله موسوی اردبیلی از جمله یکی از نواندیشان دینی در عالی‌ترین مقام جهان علمی شیعه (مرجعیت) معاصر است که با توجه به سابقه اجرایی در مهم‌ترین پست‌های حاکمیت از جمله شورای انقلاب، خبرگان رهبری و رئیس قوه قضائیه و قبل از انقلاب همکاری با حسینیه ارشاد، ایجاد کانون توحید در تداوم حسینیه ارشاد با تکیه بر قرآن و مکتب اهل بیت (ع) و مقتضیات زمان به نظریه‌پردازی و اظهار نظر در عرصه‌های اقتصادی، حقوقی و سیاسی نموده است. مقاله حاضر بخشی از پروژه نگارنده در تدوین تفسیر سیاسی قرآن در ایران معاصر است که با اختصاص این مقاله به آیت الله موسوی اردبیلی به یکی از مهم‌ترین و پرچالش‌ترین موضوعات روز دنیا همچون انتخابات، مبانی مشروعیت و رأی اکثریت پرداخته است. مقاله براساس روش تحلیل «تاریخ فکری» سامان یافته و از آثار سه گانه استیوارت هیوز الهام گرفته است.^۱ در این روش تأمل و اندیشه، فکر و جریان‌های فکری-سیاسی، با توجه به بسترهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به شکل بافتارمند مورد مطالعه قرار می‌گیرد. در این روش علاوه بر بافتار به ماهیت و چیستی اندیشه شکل گرفته و نتایج و پیامدهای آن در عرصه اجتماعی نیز مورد تحلیل و تفسیر قرار می‌گیرد. در مقاله پیش رو به صورت اجمالی بسترهای اجتماعی که باعث توجه و تأمل موسوی اردبیلی به مسئله انتخابات و جایگاه رأی اکثریت در قرآن و چگونگی استدلال قرآنی برای مشروعیت آن و نتایج بسیار مثبتی که این ایده در حل معضل و مشکل بسیار اساسی «استبداد» شده است، تمرکز شده است. موسوی اردبیلی با ترسیم یک جامعه مطلوب سیاسی در ذیل مفهوم «امت» در قرآن به شاخصه‌های مهم آن پرداخته است. در این مقاله به چگونگی تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری و انتخاب افراد تصمیم‌گیر (در امت) پرداخته شده است. با تأمل در تفسیرهای سیاسی - اجتماعی موسوی اردبیلی ما را به این افق روشن رهنمون می‌کند که با عرضه اکثر پدیده‌های نو پیدا در زندگی انسان مسلمان، به

۱. استیوارت هیوز، آگاهی و جامعه، را فرو بسته و هجرت اندیشه اجتماعی است.

قرآن و سنت معصومین(ع) و با مبنا قرار دادن عقلانیت، مقاصد و اهداف شریعت و مقتضیات جامعه، زندگی مطلوبی را می‌توان برای انسان مسلمان امروزی فراهم کرد. موسوی اردبیلی با مبنا قرار دادن قرآن و سنت با تکیه بر عقل و نیازهای امروزی به مطالعه مکتب قرارداد اجتماعی پرداخته و با نقد و ارزیابی آن به مشروعیت انتخابات که نتیجه منطقی آن پذیرش رأی اکثریت است، رسیده است که چگونگی این فرایند در مقاله مورد تأمل قرار گرفته است.

۲- مبنای رأی اکثریت در قرآن

لزوم مشورت در حوزه عمومی مورد تأیید اکثر عقلای عالم در طول تاریخ بوده است. تاریخ زندگی اجتماعی انسان نیز مؤید این فرضیه است که هر جامعه‌ای که بر اساس نظریه اکثریت اداره شده، در مقایسه با جامعه دارای حکومت اقتدارگرا، توسعه و پیشرفت بیشتری داشته است. برای نهادینه کردن دموکراسی در جامعه اسلامی که بخش عمده‌ای از هویت آن دینی است، باید مؤیدات دینی و قرآنی آن مشخص شود و یا عدم تضاد آن با آموزه‌های دینی تأیید گردد و گرنه فرآورده‌های عقل بشری در جوامع اسلامی همچون ایران بدون عرضه به قرآن و سنت پیامبر(ص) و اخذ مستندات آن پایدار نخواهد ماند؛ از جمله موضوعات محوری سیاسی - اجتماعی مسئله چگونگی تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در اداره جامعه است، نکته قابل تأمل این است که این تصمیمات با چه مکانیزمی باید اخذ و اجرا شوند؟ نوآندیشان دینی از جمله موسوی اردبیلی در چاره‌جویی خود به نظریه شورا تأکید کرده و برای پاسخ مثبت به مبنای رأی اکثریت با مراجعه به قرآن، دیدگاه‌های خود را به آیات قرآنی مستند کرده‌اند.

۳- آیات دال بر تشریح اصل شورا

آیه شریفه «و امرهم شوری بینهم»^۱ بر وجوب شورا برای امت در اداره امور عامه دلالت دارد. این آیه در مقام توصیف مؤمنان نیامده است بلکه در مقام بیان حکم شرعی، وضعی و تنظیمی نازل شده است که باید مسلمانان آن را در زندگی عمومی خویش به کار بگیرند تا اسلام و ایمانشان کامل شود. در صورتی که در اجرای این اصل اخلاص کنند، اسلام و ایمانشان ناقص بوده و مصداق این آیات شریفه می‌گردند: «فالم يستجیبوا لکم فاعلموا انما انزل بعلم الله و ان لا

۱. شوری آیه ۳۸، «کارشان در میان خودشان بر پایه مشورت است».

اله الا هو فهل انتم مسلمون(هود/۱۴)»^۱ و نیز آیه «وشاورهم فی الامر»^۲ است که پس از شکست مسلمانان در غزوة احد نازل شد. حاصل شور پیامبر(ص) این بود که عده‌ای رأی به مواجهه با مشرکان در خارج از مدینه دادند و تعدادی دیگر به همراه رسول خدا اعتقاد به ماندن در شهر و دفاع از آن را داشتند با اینکه در پایان جنگ خطای نظریه شورا از جنبه نظامی آشکار شد و صحت نظر مقابل را تأیید کرد اما آیه نازل شده، پیامبر(ص) را به پیروی از نظر شورا ملزم می‌نماید. آیه سوم «والوالدات یرضعن اولادهن حولین کاملین... فان ارادا فصالاً عن تراض منهما و تشاور فلا جناح علیهما»^۳ است و یکی از مهم‌ترین آیاتی است که مشروعیت و وجوب مشورت در حوزه عمومی را مورد تأیید قرار می‌دهد. خداوند در این آیه حقوق پدر و مادر را در تصمیم‌گیری در مورد فرزند به رسمیت شناخته است، در این موضوع دو فرد دارای حق‌اند؛ پدر که فرزند متعلق به اوست و مادر که صاحب شیر است. چون هر دو دارای حق‌اند، تصمیم‌گیری در مورد تداوم یا جداکردن بچه از شیر باید با رضایت و نظر هر دو باشد و با مشورت کامل طرفین این تصمیم گرفته شود. این در حالی است که معمولاً هم پدر و هم مادر به صورت فطری و عاطفی بهترین خیرخواهان برای فرزندانشان هستند و معمولاً ظلمی به فرزند را روا نمی‌دارند. وقتی که در این مورد خاص، خداوند جلب رضایت پدر و مادر بر اساس مشورت را واجب شمرده است، به طریق اولی باید امور سیاسی- اجتماعی با مشورت عمومی و با رأی اکثریت تصمیم‌سازی و سیاستگذاری گردد؛ چون علاوه بر اینکه رضایت اکثریت باعث پیشرفت امور است، در شورا و مشورت بهترین مدل‌ها برای سیاستگذاری طرح و شناسایی و اجرا می‌شود و افراد توانمند برای اداره جامعه نیز شناسایی می‌شود و ظرفیت‌ها و استعدادها بروز و ظهور پیدا می‌کند. (خان محمدی، ۱۳۹۲؛ ۲۴۷؛ طالقانی، ۱۳۵۸: ۹)

به صورت کلی در بین صاحب نظران درباره لزوم مشورت و عدم مشورت پیامبر(ص) دو

دیدگاه کلان وجود دارد:

الف) نظریه وجوب تعلیمی شورا: این نظریه سنتی و غالب مسلمانان است که مشورت را نه حکمی مستقل، بلکه مقدمه و ابزاری برای صیانت از خطاپذیری می‌دانند و چون فعل معصوم(ع)

۱. ترجمه «واگر آنها دعوت شما را اجابت نمی‌کنند، پس بدانید که قرآن به علم خدا نازل شده و در نتیجه معبودی

جز او نیست، آیا بعد از این همه سخنان منطقی، اسلام می‌آورد یا نه؟»

۲. آل عمران آیه ۱۵۹، «در کارها با آنان مشورت کن»

۳. سوره بقره آیه ۱۳۳، «مادران فرزندان خود را دو سال تمام شیر می‌دهند... پس اگر پدر و مادر بخواهد با رضایت

و مشورت یکدیگر کودک را (از شیر) بازگیرند، گناهی برای آن دو نیست»

ماهیت تعلیمی پیدا می‌کند، از باب «تعلیم امت» نگریسته می‌شود و نه همانند نماز و روزه که واجب در خود باشند، نظریه تعلیمی نه شورا را حکم مستقل در شریعت اسلام می‌داند و نه ملازمه‌ای مطلق بین امر سیاسی و شورا می‌بیند، بلکه شورا صرف کمک فکری در تصمیم‌گیری بوده و ابزاری برای کاستن از خطا و صیانت از اشتباه در امر سیاسی است؛ بدین سان شورا منبع مشروعیت سیاسی نیست بلکه تنها یکی از راه‌های علم حاکم است و هرگاه حاکمان از راه دیگری هم به علم و تصمیم برسند، نیازی به عبور تصمیم از درون شورا ندارند و روشن است که چنین تحلیلی اهمیت شورا در سیره پیامبر(ص) را به سطحی نازل از مصلحت‌بینی و مردم‌داری تقلیل داده و الزام شرعی التزام به شورا را تباه می‌کند. (فیرحی، ۱۳۹۴: ۲۶۳)

ب) نظریه وجود نفسی شورا: این نظریه، قطع نظر از خطاپذیری یا عصمت حاکمان، ملازمه‌ای قطعی بین امر سیاسی و مشورت می‌بیند و از آن روی که امر سیاسی امری مشورتی است، وجود شرعی مشورت در امور سیاسی، به طور یکسان بر معصوم و غیر معصوم تعمیم و اطلاق می‌گردد. بر مبنای این تحلیل، شورا یکی از راه‌های تولید تصمیم نیست بلکه تنها راه منحصر به فرد تصمیم مشروع در امر سیاسی است. (همچنان که همه ملزم به انجام دیگر فرایض دینی، چون نماز روزه و حج، همانند دیگر مؤمنان هستند) روشن است که این نظریه، بر وجود شرعی التزام به شورا حتی در نبی اکرم و معصوم(ع) نیز می‌اندیشد. به تعبیر نائینی خداوند حکیم اگر پیامبر اسلام(ص) را «با وجود مقام والای عصمت و بی‌نیازی پیامبر(ص) از تمام عالم در رسیدن به واقع... چنین اهتمام [به شورا] فرموده‌اند... حاشا» که از باب رعایت حفظ از خطا و اشتباه بوده باشد بلکه حداقل برای این است که دولت اسلامی به هیچ وجه حتی با حضور معصوم نیز نباید «کمترین شباهتی ظاهری به سلطنت‌های استبدادیّه فراعنه و طواغیت جوامع» داشته باشد. این تحلیل نائینی از وجود شوری، نتایج مهمی دارد: نخست اینکه استناد به ظاهر و سیاق آیه نظریه نخست و سنتی مسلمانان در باب شورا را به چالش می‌کشد؛ زیرا اگر پیامبر اسلام(ص) خود نیز مکلف به مشورت در امر سیاسی است و او معصوم و خطا ناپذیر است پس وجود مشورت ملازمه‌ای با خطاپذیری ندارد؛ ثانیاً اگر معصوم(ع) ملزم به مشورت است، دیگر حاکمان و فرمانروایان که علاوه بر خطاپذیری و اشتباه، در معرض و مستعد «تجاوزات عمدیه» به حقوق عموم هستند، به طریق اولی واجب است که «این اساس سعادت [شورا را استوار نماید]».

نائینی سپس تأکید می‌کند، حتی اگر بر خلاف صریح و سیاق آیه نظریه تعلیمی شورا هم مورد توجه باشد، لازم است که دولت دوره غیبت «اگر چه متصدی مغتصب باشد» مبتنی و ملزم

به شورا شود. (همان، ۲۴۶) از نظر نگارنده نیز وجوب ذاتی شورا قابل دفاع تر و به عقلانیت نزدیک تر است.

بحث دیگر در مبانی قرآنی رأی اکثریت که از لسان قرآن کریم با مکانیزم شورا به دست می آید «موارد شورا» است. بنابراین سؤالی که ایجاد می شود، این است که در چه موضوعاتی تصمیم سازی و سیاستگذاری بر اساس شورا است؟ و در چه موضوعاتی تصمیم سازی از موارد و مکانیزم شورا خارج است؟

در پاسخ به این سؤال اساسی چنین استدلال می شود؛ بی گمان مراد از شورا در این آیات مواردی است که با مسائل زندگی عمومی و اجتماعی و حکومتی درگیر است و نص قرآن مورد شورا را «امر» گفته است که مقصود از این کلمه در این دو آیه مسائل عمومی مردم و دولت است و هر مسئله ای که به شئون عمومی جامعه مربوط می شود، از موارد شورا است و باید از نظر شورا پیروی کرد. ناگفته نماند که مراد از «امر» در دو آیه مزبور مشورت در امور شخصی نیست؛ زیرا این گونه مشورت در امور خصوصی میان همه بشر جریان داشته و برای تأمین منافع شخصی آن را انجام می دهند. بنا براین نوع برداشت شورا در امور شخصی نمی تواند از مقوله احکام تأسیسی و برنامه ریزی حکومت جدید با آنچه در این دستور قرآنی تازه و جدید است، مشورت در مسائل عمومی در سطح جامعه و دولت و حکومت است. حکمت الهی اقتضا می کند، نظام های سیاسی در زمان غیر معصوم جز بر نهاد شورا تأسیس نگردند؛ لذا بر اساس این اصل بود که مبدا شورا، به عنوان حکم وضعی تنظیمی «نهادینه» و اصل مهم از قانون اساسی برای امت اسلامی انشا گردد. (شمس الدین، ۱۴۱۴ق: ۱۲۲) بنا بر این در حوزه عمومی و سیاسی در دو مورد اصل شورا ورود ندارد که عبارت اند از:

اول: موردی که حکم شرعی روشن وجود داشته باشد که با نص قطعی تفصیلی در کتاب و سنت یا غیر از این دو طریق از ادله دیگر ثابت شده است.

دوم: نتیجه رأی شورا با حکم شرعی ثابت که در شریعت اسلام به اثبات رسیده است، مخالفت نداشته باشد. جز این دو مورد، تمام مسائل جامعه، حکومت و همه مواردی که مصداق «امر امور مسلمین» باشد، از موارد و مصادیق شورا و لازم الاجرا است و رأی شورا الزام آور است. (همان، ۱۲۲) امور سیاسی - اجتماعی پویا و دینامیک است و بر اساس مقتضیات و نیازهای اجتماعی دگرگون می شوند و موضوعات جدید و نو سیاسی پدیدار می گردد، اصل شورا و رأی اکثریت بهترین مکانیزم برای ارائه پاسخ های کارآمد به معضلات و بحران های نوپیدا است. رأی

اکثریت زمانی مطرح می‌گردد که مشروعیت تصمیم شورا در مرحله قبل به اثبات رسیده باشد. در آن صورت به طور طبیعی دیدگاه‌ها به اقلیت و اکثریت منجر خواهد شد. بر مبنای تصمیم‌گیری شورایی رأی اکثریت باید اخذ گردد و اگر به مقتضای شورا عمل نشود، مبانی و فلسفه سیاستگذاری شورایی لغو می‌شود.

۴- طرح رأی اکثریت و مبانی قرآنی آن

یکی از سؤالات مهم و بنیادین فلسفه سیاسی در زندگی اجتماعی انسان این است که مدیریت جامعه از آن چه کسی است؟ متفکرین مسلمان و غیر مسلمان در طول تاریخ به این سؤال پاسخ‌های متعددی ارائه کرده‌اند که باعث شکل‌گیری نظام‌های سیاسی متعددی چون نظام پادشاهی (موناشرشی)، نظام اریستوکراسی و دموکراسی شده است و در جهان اسلام نیز، نظام خلافت اسلامی و نظام امامت دو ایده مسلط تاریخ اسلامی از جمله این نظریه‌ها است که در قالب حکومت‌های متعددی عینیت یافته است. در جهان معاصر با وجود اینکه دغدغه چه کسی حکومت کند، به چگونه حکومت کردن تغییر ماهیت یافته است اما هنوز در جهان اسلام در این که دولتمردان چگونه و به چه روشی انتخاب می‌شوند، الگوهای مختلفی مطرح شده است. برخی از دولت‌های جهان هنوز از الگوی پادشاهی و وراثتی پیروی می‌کنند؛ از جمله در اکثر کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس نظام پادشاهی مستقر است. البته برخی از کشورهای اسلامی نظام پارلمانی دارند؛ از جمله ترکیه، مالزی، اندونزی، عراق جدید و ایران نیز بعد از حکومت عثمانی از پیش‌قراولان دموکراسی‌خواهی در تاریخ معاصر منطقه خاورمیانه محسوب می‌شود و ایران اولین نظام مشروطه را بنیان‌گذاری کرده است. اما مشروطه در ساختار نظام پادشاهی طراحی شد و تناقضات درونی و موانع بیرونی از تحقق کامل آن جلوگیری کرد. با وجود ناکامی در استقرار مشروطه، ایرانیان از اصلاح نظام سیاسی دست برنداشتند و برای تحقق آن روزگاری به تجددگرایی پهلوی دل بسته بودند و چون تجدد پهلوی با استبداد درهم آمیخت، رویه انقلابی در پیش گرفتند و با سرنگونی نظام پهلوی، نظام جمهوری اسلامی را تأسیس کردند، اما با گذشت زمان برخی از سؤالات اساسی تا به امروز پاسخ شرعی استواری نیافته و متفکران اسلامی و غیر اسلامی در پاسخگویی به این سؤالات در تلاش هستند. یکی از سؤالات اساسی جایگاه رأی اکثریت در انتخاب مسئولان و تصمیمات ملی نظام جمهوری اسلامی است. آیا رأی اکثریت مورد تأیید اسلام است یا خیر و آیا در قرآن مبانی برتأیید آن وجود دارد؟

از جمله متفکرانی که به شبهات جایگاه انتخابات در اسلام و مبنای شرعی رأی اکثریت پاسخ داده‌اند، حضرت آیت الله موسوی اردبیلی است. ایشان به عنوان مجتهد نواندیش و یکی از مدیران ارشد و مورد اعتماد مردم و امام خمینی(ره) نقش اساسی در شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی و تداوم آن داشته‌اند. اینک نظر ایشان در پاسخ به جایگاه انتخابات و رأی اکثریت را بررسی می‌کنیم.

ایشان با طرح شبهه ابتدا در مورد اصل انتخابات و سپس رأی اکثریت در صدد پاسخ‌گویی از منظر اسلام و قرآن بر می‌آید: «عده‌ای از دشمنان و دوستان ناآگاه، با استناد به این روایت [که می‌فرماید:] «به درستی خداوند برای هر موضوعی، حکمی معین دارد» (مجلسی، بی‌تا: ج ۷، ۹۶) می‌گویند، انتخاب از دیدگاه اسلام هیچ ارزش و اعتبار و جایگاهی ندارد. این عده مخالف انتخاب می‌گویند، خداوند، هنگامی که می‌خواست، پیامبر و اوصیای آنان را تعیین کند، انتخابات برگزار نکرد. همچنین خداوند هنگامی که می‌خواست، احکام موضوعی مختلف را تعیین کند، باز هم انتخاباتی برگزار نکرد. بنابراین انتخابات در اسلام هیچ جایگاهی ندارد؛ به ویژه ترجیح دادن رأی اکثریت هیچ اعتبار و ارزشی ندارد، انتخابات و همه پرس‌ی یک پدیده اجتماعی است که از خارج از مرزهای اسلام آمده و در میان مسلمانان نفوذ یافته است. در کجای اسلام گفته شده، پای صندوق‌های رأی بروید و در انتخابات و فراندوم شرکت کنید، رأی بدهید و رأی اکثریت معتبر و تعیین‌کننده است؟» (اردبیلی، ۱۳۸۵: ۴۶۲)

موسوی اردبیلی با طرح شبهات مخالفان انتخابات و رأی اکثریت به پاسخ‌گویی به آن می‌پردازد. ابتدا پاسخ عرفی و عقلی می‌دهند و سپس به ادله اسلامی مشروعیت انتخابات اشاره می‌کند: «در جوامع بشری، درباره حق تعیین سرنوشت انسان و اینکه خالق و صاحب اختیار انسان کیست، دو نظریه وجود دارد. گروهی معتقدند، انسان آزاد و مستقل آفریده شده است؛ هرکس اختیار تعیین سرنوشت خود را دارد و هیچ کس حق اعمال ولایت و سلطه نسبت به دیگری را ندارد؛ انسان مالک جان و روح و مال و همه هستی خودش است و در مسائل اجتماعی هم می‌گویند، انسان‌ها دور هم جمع می‌شوند و با قراردادهای اجتماعی، سرنوشت اجتماعی خود را تعیین می‌کنند. همان نظریه مکتب قرارداد اجتماعی روسو، لاک و هابز است.» (همان، ۴۶۲)

ایشان بعد از تبیین دیدگاه اول در مورد انتخابات به بررسی دیدگاه اسلام می‌پردازد و معتقد است، از دیدگاه اسلام با وجود اینکه انسان آزاد و مستقل صاحب اختیار و خارج از سلطه آفریده شده است اما تحت حاکمیت خداوند قرار دارد و در برابر خدا عبد و بنده است.

اسلام نیز می‌گوید، انسان موجودی آزاد، مستقل و صاحب اختیار است. قرآن خطاب به پیامبر(ص) می‌فرماید:

« بگو من درباره خود، مالک هیچ سود و زبانی نیستم.»^۱ اسلام در عین حال که می‌گوید، انسان آزاد و مستقل است و هیچ انسانی حق اعمال سلطه بر دیگران را ندارد، می‌گوید، انسان هرچند نسبت به سایر انسان‌ها آزاد و مستقل است، در برابر خداوند عبد و بنده است، جهان خالقی به نام خداوند دارد که مالک اولیة انسان و سایر عالم هستی است، انسان در برابر خداوند وابسته است، همه چیز انسان مال خدا است. من یک ولی و صاحب و مالک دارم و آن هم خداوند است، اصل مالکیت خداوند نسبت به همه عالم هستی یکی از مبانی اعتقادی اسلام است، قرآن شریف در بیش از چند صدآیه درباره مالکیت خداوند برعالم هستی و انسان سخن گفته است. (همان، ۴۶۹)

در نهایت ایشان بیشترین تأکید را بر ولایت اجتماعی انسان دارند که در قلم شیخ نعمت الله صالحی نجف‌آبادی (صالحی نجف‌آبادی، ۱۳۶۳) و محمد مهدی شمس‌الدین (شمس‌الدین، ۱۴۱۴) به ولایت امت تعبیر شده است. موسوی اردبیلی با تفکیک ابعاد وجودی انسان به فردی و اجتماعی به بعد اجتماعی انسان تأکید ویژه دارد و مشروعیت انتخابات و رأی اکثریت را با این روش اثبات می‌کند:

از نظر اسلام، انسان موجودی است که دارای ابعاد فردی و اجتماعی است. از نظر فردی انسان موجودی آزاد و مستقل است اما از نظر اجتماعی، انسان باید برای تصمیمات جمعی و اجتماعی ارزش قائل شود و هماهنگ با سایر اعضای جامعه باشد. ژان ژاک روسو و دیگران معتقدند، دلیل حجیت تصمیمات جمعی و اجتماعی آن است که این تصمیمات یک «قرارداد اجتماعی» هستند. به نظر ما، حجیت تصمیمات اجتماعی دلیل دیگری هم دارد و آن این است که در مسائل اجتماعی انسان موجودی مستقل و جدای از دیگران نیست بلکه در این مسائل جزئی از یک واحد یعنی جزئی از اجتماع است. بنابراین همچنان که در مسائل فردی انسان اختیار خود را در دست دارد، در مسائل اجتماعی نیز کل جامعه بر انسان ولایت می‌یابد و حق تصمیم درباره مسائل اجتماعی با کل جامعه است. پس از آنجا که در مسائل اجتماعی انسان همراه دیگر اعضای جامعه یک اجتماع واحد را تشکیل می‌دهد، باید هماهنگ با آن‌ها زندگی کند، به همین دلیل در مسائل اجتماعی، ما پای صندوق‌های رأی

۱. یونس/۴۹، «قل لا املک لنفسی ضراً ولا نفعاً»

می‌رویم، رأی خود را به صندوق می‌اندازیم و آرا را شمارش می‌کنیم پس از اینکه نظر اکثریت را فهمیدیم، تابع نظر اکثریت می‌شویم، البته این‌ها همه مربوط به بعد اجتماعی وجودی انسان است. (همان، ۴۶۴)

ایشان در تبیین مشروعیت انتخابات و رأی اکثریت به موضوع «ولایت عدول مؤمنین» پرداخته و معتقد است ولایت «عدول مؤمنین» ادامه ولایت خداوند نیست بلکه ادامه ولایت انسان بر نفس خودش است. در صورت نبود فرد، فردی دیگر جایگزین می‌شود، تا خلاء قانونی در عرصه اجتماعی شکل نگیرد. درباره ولایت عدول مؤمنین در موارد خاص خود، گفته می‌شود، اگر انسان خود حضور داشته باشد، ولایت از آن خودش است. اگر خودش نباشد و ولی قهری او حضور داشته باشد، ولایت از آن ولی قهری اوست و اگر ولی قهری او نیز حضور نداشته باشد، ولایت از آن عدول مؤمنین است. اما ولایت عدول مؤمنین به چه دلیل است؟ آیا ولایت عدول مؤمنین، ادامه ولایت پروردگار است که از خداوند به پیامبر(ص) و از او به مومنان عادل منتقل شده است؟ به نظر من، ولایت عدول مؤمنین، ادامه ولایت پروردگار نیست، بلکه ادامه ولایت انسان بر نفس خویش در مسائل اجتماعی است. (همان، ۴۶۴)

آیت الله اردبیلی در جمع بندی مبانی مشروعیت می‌نویسد: «از نظر اسلام، در مسائل فردی هر انسانی بر خودش مسلط است و برای خود تصمیم می‌گیرد، انتخاب می‌کند و راه خود را ادامه می‌دهد اما در مسائل اجتماعی از آنجا که اجتماع واحدی است که همه انسان‌ها جزء آن هستند، اجتماع تصمیم می‌گیرد، انتخاب می‌کند و دستور می‌دهد. در حقیقت، اکثریت آرا و اتفاق آرا تبلور رأی اجتماعی انسان است؛ در نتیجه شرکت در انتخابات و رأی‌دادن علاوه بر اینکه منافع و آثار مثبت اجتماعی دارد، مطابق با موازین عقلی و شرع مقدس اسلام نیز است». (همان، ۴۶۵)

ایشان با توجه به رویکرد دینی و اجتماعی خود نسبت به انتخابات و رأی اکثریت به حفظ شأن و جایگاه منتخبان مردم اهتمام ویژه داشت و به اصالت و آزادی نمایندگان در عرصه قانون‌گذاری و نظارت بر تمام امور جامعه تأکید می‌کرد و جمله امام خمینی(ره) را یادآور می‌شدند که، مجلس در رأس امور است. این مجلس بسیار محترم، عزیز و قابل احترام و تمجید است. ما رأی دادیم، نمایندگانی را انتخاب کردیم و به مجلس فرستادیم. اکنون باید از آنان پشتیبانی کنیم و احترامشان را حفظ کنیم. اصالت مجلس و آزادی باید حفظ شود و نمایندگان مجلس محترم‌اند. باید به رأی و نظر و فکرشان

احترام بگذاریم. اگر چنین نباشیم نه تنها یک قدم به پیش نرفته‌ایم بلکه صد قدم هم عقب رفته‌ایم. (همان، ۴۷۸)

ایشان با طرح این مسئله که همه مسئولین نظام منتخب مردم‌اند و مردم زمانی که خود مسئولی را انتخاب می‌کنند، از او حمایت هم می‌نمایند، اشاره می‌کردند: «الحمد لله مسئولان کشور ما از رده‌های بالای حکومت، مانند مقام محترم رهبری و مقام محترم ریاست جمهوری و مقامات دیگر همه بر اساس قانون اساسی و موازین اسلامی انتخاب شده و مشغول خدمت هستند. مردم ما با کمال اطمینان و اعتماد و علاقه قلبی، به مسئولان کشور رأی داده‌اند و آن‌ها را انتخاب کرده‌اند». (همان، ۴۸۲)

موسوی اردبیلی با وجود اینکه معتقد بود، تمام مسئولین منتخب مردم‌اند و باید مورد احترام همه باشند ولی نقد و انتقاد از مسئولین را از حقوق مسلم مردم می‌دانست و تقدیس مسئولان نظام جمهوری اسلامی ایران و طرح عصمت اکتسابی برای آنان را یک انحراف بزرگ و بدعت می‌دانست: «ما مسئولان کشورمان را دوست داریم و برای آنان احترام قائلیم اما با وجود این آن‌ها را معصوم نمی‌دانیم. بر طبق اعتقادات مذهبی شیعه تنها چهارده نفر معصوم وجود دارد که عبارت‌اند از: پیامبر اکرم (ص) حضرت زهرا و دوازده امام؛ تنها در مورد این چهارده نفر تعبیر ذیل بیان شده است» و نیز: «خداوند، شما را از لغزش‌ها حفظ نمود و از اشتباه ایمنی بخشید، جز چهارده معصوم احتمال خطا و اشتباه در مورد همه افراد بشر وجود دارد. مسئولان کشور ایران از این اصل استثنا نیستند مسئولان کشور ما صالح و عادل‌اند، صلاح و عدالت انسان را از گناه مصون می‌کند اما از اشتباه مصون نمی‌کند. انسان عادل گناه نمی‌کند اما اشتباه می‌کند، مبدا ما روزی کاسه داغ‌تر از آش شویم و قدم از موازین اسلامی و دینی فراتر بگذاریم، همه مردم یکسان فکر نمی‌کنند و اگر روزی یکی از مسئولان کشور مرتکب اشتباه شد، آیا با وجود اعتقاد به عصمت مسئولان، جبران آن اشتباه امکان پذیر است؟ چه کسی باید اشتباهات مسئولان عالی‌رتبه کشور را جبران کند؟» (اردبیلی، ۱۳۸۵: ۴۸۲)

از نظر ایشان بهترین و جامع‌ترین ناظر بر عملکرد حکومت مردم‌اند و برای کنترل فساد سیاسی در جامعه مطمئن‌ترین و کارآمدترین مکانیزم، حضور واقعی مردم در انتخاب دولتمردان و نظارت مردم بر عملکرد آن‌ها است. مقدس‌سازی دولتمردان و حاکمان مانع از نظارت واقعی مردم بر مسئولین می‌شود و زمینه گسترش فساد در جامعه را مهیا می‌نماید: «مردم ایران به مسئولان کشور خود رأی داده‌اند، آن‌ها را انتخاب کرده‌اند و به آنان افتخار می‌کنند؛ چه کسی

بیشتر از همین مردم صلاحیت مذاکره و هشدار و نصیحت به مسئولان را دارد؟ آیا یکی از وظایف حتمی ما «النصیحه لائمة المؤمنین» پند دادن به رهبران و مسئولان نیست؟! انگیزه من از طرح این بحث، این است که اخیراً احساس می‌کنم که در کشور ما یک نظریه بیمارگونه در ارتباط با عصمت مسئولان در حال رشد و پیدایش است. اگر یکی از مسئولین چیزی بگوید و شخص دیگری بگوید که نظر من با نظر آن شخص مسئول تفاوت می‌کند، فوراً بر چسبی به او می‌زنند. اگر کسی با یکی از مسئولین کشور اختلاف نظر داشته باشد، فوراً به او می‌گویند، تو ضد انقلابی، ضد نظام جمهوری اسلامی هستی؛ ضد مسئولین کشور هستی؛ تو ضد ولی فقیه هستی. کسی که این حرف‌ها را بر زبان می‌آورد و این برچسب‌ها را می‌زند، خودش حرف‌هایش غیر اسلامی است. ممکن است، یکی از دلسوختگان، دلباختگان و عاشقان انقلاب، یک جانباز جنگ تحمیلی، فردی علاقه‌مند به قرآن و اسلام و نظام جمهوری اسلامی و مسئولین این نظام، در چند مورد با مسئولان نظام اختلاف داشته باشد و نظر خودش را ارائه کند، چگونه و بر اساس کدام میزان شرعی، می‌توان این گونه افراد را متهم به ضد انقلابی بودن، ضد ولی فقیه بودن و ضد مسئولین بودن نمود». (همان، ۴۸۳)

موسوی اردبیلی نقد و انتقاد از مسئولان کشور را از حقوق مسلم مردم می‌داند. علاوه بر این نقد و انتقاد و پذیرش آن توسط دولتمردان بستر مناسب برای شکل‌گیری انسجام ملی را فراهم می‌کند و برعکس عدم پذیرش نظارت و حضور جدی مردم در عرصه‌های اجتماعی و اتهام زدن به مخالفین و معترضین، انسجام و وحدت ملی را خدشه دار می‌کند: «اگر چنین کارهایی بکنیم [و به منتقدان اتهام بزنیم] دیگر نمی‌توانیم وحدت خودمان را در جبهه داخلی حفظ کنیم. با زدن چنین حرف‌هایی، حفظ وحدت ملی ممکن نخواهد بود. برادران و خواهران عزیز! سروران گرامی! ما نمی‌توانیم به نام اسلام، جلوی حقوق مشروع مردم را بگیریم. ما نباید به نام اسلام، مسائل غیر اسلامی را در میان مردم ترویج دهیم». (همان، ۴۸۳)

از نظر آیت الله موسوی اردبیلی، آزادی مردم در نقدکردن حکومت، علاوه بر اینکه حق قانونی و شرعی مردم است بلکه مصلحت جامعه و حکومت هم در گرو آزادی نقد و انتقاد نهفته است: «مردم باید برای اظهار نظر مخالف با مسئولان کشور آزاد باشند و بدانند که اظهار نظریه‌ای مخالف نظر مسئولان برای آن‌ها دردسر ایجاد نخواهد کرد. آزادی مردم در اظهار نظرهای مخالف با مسئولان کشور، نه تنها شرعی و قانونی است بلکه مصلحت نظام

نیز در همین است، مبدا خدای ناکرده جلو آزادی مردم را بگیرید، بگذارید همه مردم در صحنه باشند، بگذارید همه مردم از حقوق مشروع خود استفاده کنند، بگذارید همه مردم از این که بحمد الله در سایه نظام جمهوری اسلامی ایران از آزادی فکر و بیان و قلم بهره‌مندند، راضی و خشنود باشند». (همان، ۴۸۳)

۵- نتیجه‌گیری

آیت الله موسوی اردبیلی با مبنا قرار دادن قرآن و سنت معصومین(ع) و با اتخاذ روش نوین در تأملات سیاسی - اجتماعی خویش با تأکید بر عقلانیت، اهداف و مقاصد شریعت و مقتضیات جامعه امروزین به مواجهه با چالش‌های عصر حاضر پرداخت. در مقاله حاضر انتخابات و مشروعیت رأی اکثریت از نگاه ایشان ترسیم شد. براینده پژوهش نشانگر این واقعیت است که رأی اکثریت علاوه بر اینکه یکی از دستاوردهای مهم عقل و تجربه بشری در مدیریت جامعه است، مبنای قرآنی نیز دارد، در قرآن کریم در فراز سه آیه به صورت روشن به آن تأکید شده است. از نگاه قرآن، جامعه مطلوب سیاسی که در مفهوم «امه» نمایان شده است، تحقق پیدا نمی‌کند مگر اینکه تصمیمات جمعی در آن بر اساس رضایت و نظر مردم شکل بگیرد و مبنای آن هم «رأی اکثریت» است. بنا بر این برای سالم ماندن جامعه از آسیب‌ها و فساد، به‌کارگیری مکانیزم نقد و نقد‌پذیری و پاسخگویی تصمیم‌سازان و مجریان امری ضروری و گریز ناپذیر است.

منابع

۱. خان محمدی، یوسف، تفسیر سیاسی قرآن در ایران معاصر، قم، انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۲.
۲. شمس‌الدین، محمد مهدی، جامعه سیاسی اسلامی، مبانی فقهی و تاریخی، مترجم، سیدمرتضی آیت‌الله‌زاده شیرازی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۰.
۳. _____ الأمة والدولة والحركة الإسلامية، بیروت، منشورات الغدير، المجلس الإسلامي الشیعی الأعلى، ۱۴۱۴هـ/۱۹۹۴م.
۴. صالحی نجف آبادی، نعمت‌الله، ولایت فقیه حکومت صالحان، تهران، امید فردا، ۱۳۶۳.
۵. طالقانی، محمود، شورا پیام قرآن، تهران، بنیاد فرهنگی آیت الله طالقانی، ۱۳۵۸.
۶. فیرحی، داود، آستانه تجدد در شرح تنبیه الامه و تنزیر المله، تهران، نشر نی، ۱۳۹۴.

۷۲ دوفصلنامه پرتو وحی، ج ۵، ش ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۷، (پیاپی ۸)

۷. قاضی زاده، کاظم، جایگاه شورا در حکومت اسلامی، قم، چاپ و نشر عروج، ۱۳۸۴.
۸. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، ج ۷، بیروت، مؤسسه الوفاء، بی تا.
۹. موسوی اردبیلی، سید عبد الکریم، همپای انقلاب، تدوین سید محمد باقر نجفی کازرونی، قم، انتشارات دانشگاه مفید، ۱۳۸۵.
۱۰. _____، پرتو وحی، تنظیم و تدوین سید ابوالفضل موسویان، جلد ۱ و ۲، قم، دانشگاه مفید، ۱۳۹۵.
۱۱. هیوز، استیوارت، آگاهی و جامعه، مترجم عزت الله فولادوند، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳.
۱۲. _____، هجرت اندیشه اجتماعی، ترجمه عزت الله فولادوند، انتشارات طرح نو، ۱۳۷۸.
۱۳. _____، راه فروبسته، ترجمه: عزت الله فولادوند، تهران، انتشارات علم و فرهنگ، ۱۳۸۳.